

محبوبه ابراهیمی

همگرایی

علم و دین

برای ساختن جامعه آرمانی

اشاره:

تئوری همگرایی حوزه و دانشگاه، از جمله موضوعات دکتربین انقلاب اسلامی است که همواره از سوی بنیانگذار فقید انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. بی‌شک تحقق این آرمان، عزم عمومی اندیشمندان و نخبگان و مسئولان حوزه و دانشگاه را می‌طلبد که با طراحی سازوکارهای جامع، وحدت حقیقی را در مرحله نخست تبیین و سپس تحقق بخشند. طی سالیان گذشته، تلاش‌هایی در این مسیر صورت پذیرفته و مصادیق عملی را در پی داشته است. از آنجا که این مصادیق در مقایسه با چشم‌انداز بلند رهبر کبیر انقلاب اسلامی محدود و اندک بوده و قابل مقایسه نیست، لازم است تا موانع تحقق کامل این آرمان انقلابی و نیز راهکارهای گسترش این مصادیق مورد بررسی قرار گیرند. در ادامه، ضمن تبیین برخی نمونه‌های عینی، آسیب‌های موجود در مسیر وحدت و راهکارهای تحقق آن بیان می‌شود.

چنانچه هر دو گروه ضمن آشنایی با ترفندهای دشمن و مراقبت از دخالت بیگانگان، منافع ملی کشور را هدف و دغدغه خود قرار دهند، آن‌گاه هر یک در جایگاه خود، تلاشی متناسب نموده و نیز به تقویت و دوام یکدیگر کمک خواهند کرد.

شهیدان آیت‌الله مفتح و مطهری، نقش ویژه‌ای در اتصال دو حلقه حوزه و دانشگاه بر عهده داشتند تا آنجا که برقراری و بقای این ارتباط، به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های این دو بزرگوار تبدیل شده بود.

برخی مصادیق وحدت حوزه و دانشگاه

از دیرباز میان برخی حوزویان و دانشجویان، ارتباط و تعامل‌هایی مقطعی و یا دائمی برقرار بوده است؛ اما نقطه اوج‌گیری این وفای را می‌توان سال ۱۳۴۲ دانست. ارتباط تنگاتنگ میان روحانیون و دانشجویان مبارز، در جریان مبارزات انقلابی، راهپیمایی‌ها، توزیع اعلامیه‌های امام خمینی قدس سره، تکثیر نوارهای انقلابی و سخنرانی‌ها، ایجاد شور انقلابی در میان مردم و حتی اتحاد و تلاش‌های مشترک این دو قشر، پس از دستگیری توسط ساواک و در زندان‌های ستم‌شاهی، بیانگر این واقعیت است. ارتباط صمیمانه میان روحانی شهید نواب صفوی با شهیدان ذوالقدر و طهماسبی و سایر دانشجویان و نیز ارتباط شخصیت‌هایی نظیر شهیدان حجّت‌الاسلام باهنر، سعیدی، هاشمی‌نژاد، غفاری و مرحوم آیت‌الله طالقانی با قشر دانشجو و همچنین ارتباطات شهید آیت‌الله بهشتی با دانشجویان داخل و خارج کشور؛ نمونه‌هایی از این امر است که وحدت این دو قشر را تعمیق می‌بخشید. در این میان شهیدان آیت‌الله مفتح و مطهری، نقش ویژه‌ای در اتصال دو حلقه حوزه و دانشگاه بر عهده داشتند تا آنجا که برقراری و بقای این ارتباط، به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های این دو بزرگوار تبدیل شده بود.^۱

در شرایطی که حضور روحانیون در دانشگاه‌ها امری مناسب به نظر می‌رسید، شهیدان مطهری و مفتح با به جان خریدن توهین‌های بی‌پروا و درک صحیح از لزوم وحدت، سبب پر شدن مسجد قبا و حسینیه ارشاد از دانشجویان می‌شدند. تا آنجا که مسجد قبا در دوران مبارزات انقلابی، به بزرگ‌ترین سنگر مردمی مبارزه با رژیم تبدیل شد.

شهید مفتح به عنوان شخصیتی حائز جامعیت علمی و آکادمیک دانشگاهی و نیز دارای سلوک روحانی و تسلط بر علوم دینی، علاوه بر سخنرانی در میان دانشجویان مجتمع در مسجد قبا، با اساتید دانشگاه نیز مناسبات گسترده‌ای برقرار کرده و از آنان دعوت می‌نمود تا در حوزه‌های مختلف علمی در مسجد قبا سخنرانی نمایند. این کار که در میان مساجد کشور امری منحصر به فرد بود، ضمن از بین بردن اوهام و شبهات ذهنی دانشگاهیان نسبت به قشر روحانی، سبب اتصال و نزدیکی بیشتر این دو قشر به یکدیگر می‌شد.

علاوه بر این، حضور مستقیم روحانیون در محیط دانشگاه‌ها، این اتحاد را مستحکم‌تر می‌نمود. حضور شهید مفتح به عنوان رییس و استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و در نهایت شهادت مظلومانه ایشان

تبادل استاد بین دو نهاد حوزه و دانشگاه به منظور تأمین اساتید مورد نیاز حوزه‌ها در شاخه‌های علوم انسانی و نیز تأمین اساتید مورد نیاز دانشگاه‌ها در زمینه اخلاق، معارف اسلامی، تاریخ اسلام و ... از مصادیق دیگری است که پایه‌های وحدت حوزه و دانشگاه را مستحکم‌تر می‌نماید.

دینی توسط مراکز حوزوی با بهره‌مندی از کارشناسان دانشگاهی و مواردی مشابه را می‌توان از دیگر مصادیق این وحدت برشمرد.

آسیب‌های موجود در مسیر وحدت حوزه و دانشگاه

چنانچه خواستار گسترش مصادیق و نمونه‌های عملی وحدت دو قشر تأثیرگذار جامعه باشیم، لازم است تا موانع پیش روی آن را شناسایی و با تدابیر و سازوکارهای مناسب، در جهت رفع آن‌ها تلاش شود. از جمله موانع پیش روی وحدت حوزه و دانشگاه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- جنگ روانی دشمنان و گروه‌های تفرقه‌افکن جهت ایجاد اختلاف و حس بدبینی در میان این دو قشر، به طوری که روحانی را در پیش دانشجو به عنوان مرتجع و دانشجو را نزد روحانی کافر جلوه می‌دهند. این تلاش‌ها در سالیان شکل‌گیری مبارزات انقلابی در سطح گسترده و فراگیر وجود داشت تا جایی که به تعبیر امام راحل علیه السلام «در دانشگاه اسم روحانی را نمی‌شد بیاوری و در فیضیه اسم دانشگاهی را». این مسئله در سال‌های اخیر نیز به شکلی دیگر جلوه کرده است که در هر حال هرگونه تفکرات و تصورات نامناسب دانشجویان نسبت به حوزویان و بالعکس، صدمات جبران‌ناپذیری را به پیکره جامعه وارد خواهد نمود.

رهبر کبیر انقلاب علیه السلام با بصیرت ویژه خود، هر دو قشر را

در جلوی دانشکده، به روشنی بیانگر پیوند ناگسستنی ایشان با دانشجویان بود که ثمرات فراوانی نیز در پی داشت.

سایر روحانیون نیز حضور مستقیم در جمع دانشجویان در دانشگاه‌ها داشتند. به عنوان نمونه می‌توان به پادگان بودن دانشگاه تهران در جریان ورود امام خمینی علیه السلام به ایران و تحصن چند روزه روحانیون و دانشجویان قم و تهران در این مکان اشاره نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز این وحدت پایان نیافت و در عرصه‌های دیگر جلوه‌های جدیدی را نمایان کرد. در جریان تهاجم هشت ساله رژیم بعث عراق به خاک میهنمان، این دو قشر، حلقه اتصال را حفظ نموده و پایه‌های هم دوشادوش سایر اقشار در جبهه‌های نبرد حضور یافتند. انبوه شهدای روحانی و دانشجوی شهرهای مختلف، شاهدهی زنده بر این امر است.

پس از ارتحال بنیانگذار انقلاب؛ رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز تأکید بر وحدت حوزه و دانشگاه و رفع موانع پیش روی این آرمان را به فراموشی نسپرده و همواره بر ضرورت آن تأکید نمودند. دیدارهای متعدد ایشان با دانشجویان سراسر کشور و اهتمام و توجه ویژه به این قشر، ضمن تأیید دغدغه‌های ذهنی ایشان، گامی مؤثر در راستای تعمیق وحدت میان این دو قشر به حساب می‌آید که هرگز از خاطر معظم‌له دور نمانده است.

همچنین احداث نهادی ویژه به عنوان دفتر نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و ایجاد تعامل هدفمند میان دانشجویان و این نهاد، جلوه دیگری از این انسجام مؤثر است. در این میان تبادل استاد بین دو نهاد حوزه و دانشگاه به منظور تأمین اساتید مورد نیاز حوزه‌ها در شاخه‌های علوم انسانی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق، اقتصاد، مدیریت و ... و نیز تأمین اساتید مورد نیاز دانشگاه‌ها در زمینه اخلاق، معارف اسلامی، تاریخ اسلام و ... از مصادیق دیگری است که پایه‌های وحدت حوزه و دانشگاه را مستحکم‌تر می‌نماید.

علاوه بر این، برخی مسئولان دانشگاه‌ها به ویژه در شهرستان‌ها، به منظور پاسخگویی به شبهات کلامی و فلسفی دانشجویان، با دعوت از مبلغین حوزوی، سعی در پاسخگویی مناسب و به موقع به دانشجویان از طریق منابع دینی می‌نمایند که این هم، از مصادیق وحدت حوزویان و دانشگاهیان است.

برگزاری اجلاس‌ها و گردهمایی‌های مشترک میان حوزه و دانشگاه را نیز می‌توان از دیگر مصادیق این اتحاد برشمرد که زمینه تعامل بیشتر و نزدیک‌تر محصلان علوم دینی و دانشگاهی را فراهم می‌آورد.

بی‌شک، حضور چشمگیر و روزافزون دانشجویان نمازگزار و معتکف در نمازخانه‌های دانشگاه‌ها نیز می‌تواند به عنوان یکی دیگر از جلوه‌های مهم وحدت دو قشر به حساب آید. اقامه نماز جمعه در محیط دانشگاه تهران و نیز تولید نرم‌افزارهای

برگزاری اجلاس‌ها و گردهمایی‌های مشترک میان حوزه و دانشگاه را نیز می‌توان از دیگر مصادیق این اتحاد برشمرد که زمینه تعامل بیشتر و نزدیک‌تر محصلان علوم دینی و دانشگاهی را فراهم می‌آورد.

هرگونه تفکرات و تصورات نامناسب دانشجویان نسبت به حوزویان و بالعکس، صدمات جبران‌ناپذیری را به پیکره جامعه وارد خواهد نمود.

حضور شهید مفتاح به عنوان رییس و استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و در نهایت شهادت مظلومانه ایشان در جلوی دانشکده، به روشنی بیانگر پیوند ناگسستنی ایشان با دانشجویان بود که ثمرات فراوانی نیز در پی داشت.

وحدت میان دو قشر؛
- عدم تبیین صحیح ضرورت‌های وحدت حوزه و دانشگاه و آثار و پیامدهای آن به ویژه در میان دانشجویان.

راهکارهای فراوری تحقق وحدت حوزه و دانشگاه

بررسی راهکارهای عملی تحقق همگرایی میان حوزه و دانشگاه از آن جهت حائز اهمیت است که دانشگاه به عنوان پایگاه علمی و حوزه به عنوان پایگاه دینی در جامعه مطرح می‌باشند. چنانچه دو پایگاه در مقابل یکدیگر قرار گیرند، دانشگاه‌ها به مراکز بی‌دینی تبدیل خواهند شد. از آنجا که مدیران آینده جامعه، عمدتاً از قشر دانشجو می‌باشند، لذا آینده جامعه در دست مدیران بی‌دین قرار خواهد گرفت که این امر خطر ترویج بی‌دینی در میان عموم مردم را تشدید می‌نماید. لذا تقابل حوزه و دانشگاه، ایجاد فساد در سطح جامعه را در پی خواهد داشت. این مسئله و نیز سایر اسبب‌های تفرقه دو قشر حداکثری جامعه، ضرورت بررسی راهکارهای برقراری تعامل بیشتر را گوشزد می‌نماید. لذا در ادامه به برخی از این راهکارها اشاره می‌گردد.^۵

یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیش رو در جهت ایجاد وحدت حوزویان و دانشجویان، ایجاد بصیرت کامل و درک و شناخت القانات دشمن است که در یخش اسبب‌ها به آن اشاره شد. چنانچه هر دو گروه ضمن آشنایی با ترفندهای دشمن و

نسبت به این مسئله آگاهی می‌دادند و آن‌ها را به هوشیاری فرا می‌خواندند: «حال که می‌بینید یک تحوّل پدید آمده است؛ دانشگاهی متمایل شده است به روحانی، روحانی متمایل شده است به دانشگاهی، با هم هستند و می‌خواهند با هم کشور خودشان را به پیش ببرند، حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بکوبند و دانشگاهی را از یک طرف و فساد کنند بین این دو تا... چشم‌هایتان را باید خیلی باز کنید. در این زمان چشم و گوش‌ها باید خیلی باز باشد.»^۶
- تقابل بعضی اندیشه‌های علمای دینی و دانشگاهیان در مسائل سیاسی و اجتماعی که با ایجاد نوعی هم‌زبانی و درک متقابل و گفت‌وگو و پاسخگویی مستدل می‌توان این ابهامات را رفع و نقاط مشترک را بیشتر کرد. بی‌شک ایجاد زبان و ادبیات مشترک، نیازمند آشنایی طرفین با مبانی و پایه‌های علوم یکدیگر است.

- عدم تعامل و ایجاد شکاف و فاصله میان این دو قشر به دلایل مختلف و خلأ حضور حوزه در دانشگاه و بالعکس؛
- انزوای طلبی بیش از حد برخی روحانیون و در مقابل غرب‌زدگی افراطی برخی دانشجویان؛

- عدم وجود نهاد و یا تشکلی ویژه جهت ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه و نیز فقدان شخصیت‌هایی نظیر شهید مفتاح که تمام تلاش خود را معطوف تحقق این آرمان انقلابی نمایند؛
- عدم وجود انگیزه‌های سازمانی و مجموعه‌ای برای ایجاد



- برخورد جدی با اساتید دانشگاه و سایر عناصر نفوذی که سعی در تخریب چهره روحانیت در دانشگاه دارند. از این طریق یکی از موانع فراروی تحقق وحدت حذف می‌شود.

- جلوگیری از دامنه‌دار شدن انتقادات غیرسازنده و مستمر حوزویان و دانشگاهیان از یکدیگر از طریق ایجاد تعامل بیشتر میان این دو قشر؛

- تبیین دقیق ضرورت‌ها و آثار وحدت این دو قشر متفکر در جامعه از طریق تدوین چشم‌انداز آینده همگرایی دو قشر و نیز اطلاع‌رسانی در زمینه توفیقات نسبی به دست آمده از اتحاد دو قشر؛ از راهکارهای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه است.

- حضور بیشتر و جدی‌تر روحانیت و فضلالی حوزه‌های علمیه در دانشگاه‌ها جهت ایجاد تفاهم و همدلی میان این دو نهاد و پاسخگویی به شبهات کلامی و فلسفی؛

- تبادل امتیازات حوزه و دانشگاه از طریق انتقال اخلاص، معنویت، زهد و احترام به سنت‌ها به دانشگاه و نیز توجه به واقعیات، نوگرایی، استفاده از ابزارهای مدرن و نگرش‌های پویا در حوزه. بدیهی است که هدف از تبادل این امتیازات، تعویض جایگاه حوزه و دانشگاه نبوده، بلکه با حفظ جایگاه ویژه حوزه و دانشگاه، تعاملی سازنده در راستای ارتقاء و بالندگی ایران اسلامی برقرار شود. بی‌شک در صورتی که دو قشر آموزنده علوم دینی و علوم دنیوی، انسجام و همگرایی یابند، جامعه با بهره‌مند شدن از کارشناسان علمی آشنا به دین و کارشناسان دینی آشنا به علم، به نقطه‌ای صعود نماید که هم دین و هم دنیایش آباد باشد و این همان جامعه آرمانی است که در پرتو تعامل گسترده این دو قشر تأثیرگذار حاصل می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

1. شخصیت شهید مفتاح با عنوان «وحدت حوزه و دانشگاه» عمین گشته و به عنوان طلایه‌دار شکل‌گیری این وحدت شناخته شده‌اند تا آنجا که روز شهادت ایشان (۲۷ آذرماه) با عنوان «روز ملی وحدت حوزه و دانشگاه» نامگذاری شده است.
2. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۷۷.
3. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲.
4. مقابل هم قرار گرفتن حوزویان و دانشگاهیان، همان‌گونه که موجب جدایی قشر حوزوی از گزاره‌های علمی و علوم انسانی می‌شود، به همین میزان موجب می‌شود که دانشگاهیان با دین بیگانه شده و از مجهز شدن به علوم دینی بی‌نصیب بمانند. از این رو می‌توان ادعا کرد که نتیجه تقابل حوزه و دانشگاه، تبدیل حوزه‌ها به مراکز فاقد علم روز و تبدیل دانشگاه‌ها به مراکز بی‌دینی است.
5. باید توجه داشت که دوگانگی نظام‌های آموزشی و معرفتی و فرهنگی در این دو نهاد، اقتضای نوعی واگرایی دارد. دغدغه اصلی این است که در صورت اتخاذ تدابیر جدی برای همگرایی، فاصله و گسست بیش از پیش خواهد شد.

منابع:

1. مصطفی دل‌ورپور اقدم، هفته‌نامه پگاه حوزه، آذر ۱۳۸۷، شماره ۲۴۵.
2. محمدمهدی بهداروند، ماهنامه رواق اندیشه، آذر ۱۳۸۳، شماره ۳۴.
3. ماهنامه پرس‌مان، آذر ۱۳۸۲.

انزوای طلبی بیش از حد برخی روحانیون و در مقابل غرب‌زدگی افراطی برخی دانشجویان از موانع پیش روی وحدت حوزه و دانشگاه است.

تقابل حوزه و دانشگاه، ایجاد فساد در سطح جامعه را در پی خواهد داشت.

مراقبت از دخالت بیگانگان، منافع ملی کشور را هدف و دغدغه خود قرار دهند، آن‌گاه هر یک در جایگاه خود، تلاشی متناسب نموده و نیز به تقویت و دوام یکدیگر کمک خواهند کرد؛ چرا که هدف، حفظ امنیت ملی است و در این راه تمام توان نیروها صرف این امر می‌شود و نه ایجاد تفرقه میان حوزه و دانشگاه. از این رهگذر، در کنار یکدیگر به دفاع نیرومند از کلیت نظام پرداخته و با تبیین وظایف هر یک در عرصه‌های مختلف، هر کدام به تناسب توان خود در جهت رفع کمبودها تلاش خواهند کرد.

- تشکیل کارگروه‌های تخصصی به منظور تصویب منشور وحدت حوزه و دانشگاه جهت استفاده از تمام ظرفیت‌های علمی و نرم افزاری؛

- ایجاد دفتر ارتباطی حوزه و دانشگاه‌ها و بالعکس به منظور تعامل هدفمند و تقویت مشاوره و همفکری میان دانشجویان و اساتید دانشگاه با نخبگان و فضلالی حوزه؛ بی‌شک توسعه تعاملات از بدبینی‌ها و قضاوت‌های ناعادلانه که توسط افراد تندرو القاء می‌شود، جلوگیری کرده و موجب وحدت می‌گردد.

- تلاش در جهت اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مبارزه با انزوای طلبی در حوزه‌ها از طریق برگزاری اردوها و همایش‌های مشترک.